Ibadah Fiqh Doctrines
Print: 2251- 9386
Online: 2783- 4026

Feasibility of Changing (Altering) a Vow (Nadhr) in Imami Jurisprudence

Seyed Mahdi Ahmadinik[1] | Ali-Asghar Rajabi Asadabadi[2]

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Lecturer of Advanced Levels, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: ahmadinik@razavi.ac.ir
2. Master's Graduate in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; Level Four Student of Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: rajaby.1371@gmail.com

Article Info

Article type:
Review Article

Article history:
Received: 28 May 2025
Revised: 11 July 2025
Accepted: 30 September 2025
Available online 6 October 2025

Keywords:
Vow Alteration (Tabdīl al-Nadhr), Principle of Feasibility (Qā`idat al-Maysūr), Imami Jurisprudence (Fiqh al-Imamīyah).

ABSTRACT

The alteration and substitution of a vow (nadhr) is one of the highly disputed topics in Imami jurisprudence, which has long been a subject of debate among eminent jurists, resulting in two fundamental perspectives: permissibility and impermissibility of such change. The present research aims to analyze the permissibility or impermissibility of altering a vow in Imami jurisprudence, along with the relevant evidence, and to indicate the preponderant view in light of the proofs. The practical benefit of this discussion is to clarify the duty of an individual who has restricted their vow to a specific time or place, but is prevented from fulfilling it due to reasons such as the emergence of a more essential need, the existence of more deserving individuals, the difficulty of performing the vow, changed circumstances, or the like. Employing a descriptive-analytical method and utilizing library resources, the authors conclude that, considering the relevant narrations (riwāyāt), the principle of feasibility (qā`idat al-maysūr), the multiplicity of desired objectives, and the principle of conflict (qā`idat al-tazāḥum), alteration is possible and permissible in certain cases and under specific conditions.

Cite this article: Ahmadinik, S., M.; Rajabi Asadabadi, A., A. (2024). Feasibility of Changing (Altering) a Vow (Nadhr) in Imami Jurisprudence. *Jurisprudence of worship Doctrines*, 5(8), 123-144. https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7060.1220

© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

آموزه‌های فقه عبادی
ISSN Print: 2783 - 4034 Online: 2783 - 4042

امکان‌سنجی تبدیل نذر در فقه امامیه

سید مهدی احمدی نیک[۱] | علی‌اصغر رجبی اسدآبادی[۲]

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد درس خارج فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: ahmadinik@razavi.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ طلبه درس خارج سطح چهار، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: rajaby.1371@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۴/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۷/۱۴

کلیدواژه‌ها:
تبدیل نذر، قاعده میسور، فقه امامیه.

چکیده

تغییر و تبدیل نذر یکی از مباحث پراختلاف در فقه امامیه است که از دیرباز مورد نقض و ابرام فقهای عظام قرار گرفته و دو دیدگاه اساسی جواز و عدم جواز تبدیل و تغییر را یافته است. هدف پژوهش حاضر آن است که جواز و عدم جواز تبدیل نذر در فقه امامیه را به همراه دلایل مربوط واکاوی کند و دیدگاه اقوی را با نظر به ادله نشان دهد. فایده بحث آن است که وظیفه شخصی را که نذرش را محدود به زمان یا مکان خاصی نموده و عللی مانند پیدا شدن مورد ضروری‌تر، وجود افراد نیازمندتر، دشواری انجام نذر، تغییر شرایط، یا مانند آن، مانع شده است، روشن سازد. نگارندگان با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که با نظر به روایات مربوط، قاعده میسور، تعدد مطلوب و قاعده تزاحم تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز است.

استناد: احمدی نیک، سید مهدی؛ رجبی اسدآبادی، علی‌اصغر. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی تبدیل نذر در فقه امامیه. آموزه‌های فقه عبادی، ۵(۸)، ۱۲۳-۱۴۴. https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7060.1220
ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

© نویسندگان.

مقدمه

مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی است به معنای الزام، وعده و یا الزام خود به انجام یا ترک کاری که از نظر شرع انجام یا ترک آن بر انسان لازم نیست (قریشی، ۱۴۱۲، ج۷، ص۴۱؛ طریحی، بی‌تا، ج۳، ص۴۹۱). بنابر گفتار برخی فقها، شرایط عامهٔ تکلیف عبارت‌اند از بلوغ، عقل، قدرت و حیات (نراقی، ۱۴۱۲، ج۲، ص۳۳۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج۷، ص۲۳۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷، ج۸، ص۱۵۸). لذا هر فرد زنده، بالغ، عاقل و توانا مکلف به انجام تکالیف شرعی است. بر این اساس، گاهی شخص مکلف با توجه به تعریف ذکرشده، همراه با اختیار و اراده، خود را ملزم به انجام برخی تکالیف می‌کند که در این صورت، ملزم به رعایت آن‌هاست، چنان‌که شخص با اجرای صیغه نذر، البته با شرایطی که در ادامه اشاره خواهد شد، آن را بر خود واجب می‌کند. لازم به یادآوری است که در دین اسلام، نذر یکی از تعهدات دینی است که فرد به عهده می‌گیرد و خود را ملزم به انجام آن می‌داند، اما در مواردی ممکن است نذرکننده بخواهد نذر خود را تغییر بدهد یا تبدیل کند. این موضوع به دلایل مختلفی از جمله عدم امکان عملی شدن نذر، تغییر شرایط زندگی یا تمایل به انجام عمل خیر دیگری رخ می‌دهد. ازاین‌رو، بررسی ادله تغییر و تبدیلْ نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توجه به شرایط و نیازهای فرد در دین است و اهمیت خاصی دارد. بررسی این ادله می‌تواند به فهم بهتر از شرایطی که نذر را قابل تغییر می‌کنند و نیز چگونگی انجام این تغییر کمک نماید. در این نوشتار بر آن هستیم که این مسئله را در فقه امامیه بررسی کنیم که اگر شخصی چیزی را به‌وسیله نذر واجد شرایط بر خود واجب کرد و موقع ادای نذر نتوانست آن را انجام دهد، چه به دلیل عجز و چه به دلیل ضرورت، مانند بیماری کرونا که ادای نذر به دلیل ضرورت، انجامش ممکن نیست، آیا در چنین شرایطی، تغییر و تبدیل نذر امکان دارد یا خیر؟

در این زمینه علی‌رغم جست‌وجو و بررسی نگارندگان، پژوهش مستقلی که به‌طور جامع، تمام زوایای تغییر نذر را بررسی کرده باشد، به دست نیامد و برخی از پژوهش‌هایی هم که به‌طور مختصر به موضوع نذر پرداخته‌اند، اشاره‌ای به

امکان‌سنجی تغییر و تبدیل نذر ننموده‌اند. از جمله پژوهش‌ها درباره نذر، مقاله «نذر و هویت اجتماعی زنان» نوشته بهار مهری (۱۳۸۳) است که در آن ضمن بیان جایگاه نذر به لحاظ مفهومی و نظری در مردم‌شناسی دینی، به بیان وضعیت آن به‌عنوان یکی از اعمال و رفتارهای دینی در میان مردم مسلمان ایران پرداخته شده است. اما او در مورد امکان‌سنجی تغییر و تبدیل نذر بحثی مطرح نکرده است. جنبه نوآوری نوشتار پیشِ‌رو آن است که نسبتاً به‌طور جامع به مقوله امکان‌سنجی تغییر و تبدیل نذر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با نظر به روایات مربوطه، قاعده میسور و مصلحت تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز خواهد بود.

۱. مفهوم‌شناسی

نذر در لغت: برخی از واژه‌نگاران درباره نذر گفته اند: «نَذَرَ نَذْراً: أوجب علی نفسه ما لیس بواجب؛ نذر آن است که چیز غیر واجب را بر خویش واجب گردانی» یا «النّذر: أن تُوجِب علی نفسک ما لیس بواجب لحدوثِ أمر».

«انذار» خبری است که در آن تخویف و ترس باشد، همان‌طور که تبشیر خبری است که در آن شادی و سرود است (راغب، ۱۴۱۲، ص۷۹۸؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج۷، ص۴۱؛ طریحی، بی‌تا، ج۳، ص۴۹۱). برخی دیگر آورده‌اند: وعده دادن به شرطی مانند این‌که بر من است اگر خدا مریض من را شفا دهد (فیروزآبادی، بی‌تا، ج۲، ص۱۴۰).

با توجه به تعاریف مختلفی که برای نذر در لغت بیان شد، می‌توان گفت که نذر به‌عنوان عملی عبادی و تعهدی با ابعاد مختلف اجتماعی و فردی، به معنای تعهد به انجام عملی خاص به خاطر خداوند، تعریف می‌شود و می‌توان گفت به وعده‌ای اشاره دارد که فرد به خداوند می‌دهد تا در صورت برآورده شدن یا رخداد خاصی، عمل خیری انجام دهد یا هدیه‌ای ارائه کند.

نذر در اصطلاح: نذر در نزد فقها عبارت است از این‌که ملکف بر خودش انجام یا ترک فعلی را که آن را به خدا منتسب می‌کند بر خودش واجب سازد. بنابراین نذر امری اعتباری است که قابل جعل و انشا می‌باشد، لذا نوعی ایقاع است. (مشکینی، ۱۳۹۲، ص۵۶۷). برخی از فقهای نامدار آورده‌اند: «أن النذر لا ینعقد حتی یکون معقوداً بشرط متعلق، کأن یقول: لله علیّ إن قدم فلان أو کان کذا أن أصوم أو أتصدق، و لو

قال: لله علیّ أن أصوم أو أتصدق من غیر شرط یتعلق به لم ینعقد نذره؛ نذر پا نمی‌گیرد مگر آن‌که مبتنی بر شرطی باشد، مانند این‌که بگوید: از جانب خداوند بر من است که اگر فلانی از سفر آمد من روزه خواهم گرفت یا صدقه می‌دهم. در غیر این صورت، نذر پا نمی‌گیرد» (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ص۳۶۲). برخی از اندیشه‌وران فقه فرموده‌اند: نذر یعنی خود را به انجام عمل نیکی در برابر شرطی ملتزم کردن، مثل این‌که بگوید اگر خدا بیمار مرا بهبود بخشید، آن مقدار برای خدا صدقه بدهم (راوندی، ۱۴۰۵، ج۲، ص۲۳۴).

با توجه به تعاریف ذکرشده می‌توان این تعریف منتخب از نذر را ارائه داد: نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری برای خدا به جا آورد یا کاری را که انجام ندادنش بهتر است برای خدا ترک نماید.

۲. شرایط نذر

از دیرباز موضوع شروط نذر همواره مورد توجه فقها بوده است. این موضوع به بررسی ارتباط پیچیده میان تعهدات دینی فرد و شرایط متغیر زندگی او می‌پردازد. قدما و متأخران بر این باورند که هر نذری، در واقع، تعهدی است که نذرکننده به درگاه الهی می‌سپارد. این تعهد، با توجه به شرایط و نیات فرد در زمان نذر، شکل می‌گیرد. اما آیا این تعهدات همواره باید به همان شکل اولیه باقی بماند یا این‌که امکان تغییر و تحول در آن‌ها وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی دقیق شرایط نذر و همچنین شناخت عمیق از احکام شرعیِ مرتبط با آن است. به عبارت دیگر، هر گونه تغییر در نذر، باید با رعایت اصول و قواعد مشخصی صورت گیرد تا از یک سو، حق‌الله ادا شود و از سوی دیگر، به فرد نذرکننده نیز آسیبی نرسد. آگاهی از شرایط و ضوابط تغییر نذر، به فرد کمک می‌کند تا با دقت و آگاهی بیشتری تصمیم‌گیری کند. همچنین این آگاهی به او این اطمینان را می‌دهد که تغییراتِ ایجادشده در نذر، از نظر شرعی صحیح و معتبرند. لذا در ابتدا به بیان شروط نذر پرداخته می‌شود تا مشخص گردد که شخص نذرکننده باید چه شرایطی داشته باشد، زیرا اگر این شرایط وجود نداشته باشند، نوبت به مرحله تغییر یا تبدیل نذر نمی‌رسد و در صورت وجود این شرایط، این سؤال

مطرح می‌شود که آیا امکان تغییر یا تبدیل نذر وجود دارد یا خیر؟

۲-۱. شروط نذر در فقه امامی

نذر عهد و پیمانی است که فرد با خداوند می‌بندد و در آن متعهد می‌شود که در صورت برآورده شدن حاجتی یا به نیت تقرب به خداوند، عملی خاص را انجام دهد. این عمل می‌تواند شامل پرداخت صدقه، انجام عبادات خاص یا ترک اعمال باشد، اما برای این‌که نذری صحیح و معتبر باشد، باید شرایط خاصی را دارا باشد. این شرایط از نظر شرعی اهمیت زیادی دارند و برای اطمینان از صحت نذر و انجام صحیح آن ضروری‌اند. ازاین‌رو در ذیل شرایط نذر آورده می‌شود.

۲-۱-۱. صیغه نذر

یکی از شرایط نذر آن است که صیغه نذر به زبان آورده شود، مثلاً بگوید: «إن عافانی الله - مثلاً- فللّه علیّ صدقة أو صوم أو غیرهما» که حسب نیت و اراده شخص می‌تواند یکی از انواع نذر مطلق یا معلق باشد (حلی، ۱۴۱۴، ج۳، ص۲۷۴).

۲-۱-۲. شرایط ناذر

از جمله شرایط نذر شرایط مربوط به نذرکننده است. شرایط ناذر عبارت‌اند از کمال یعنی شخص بالغ و عاقل باشد، مختار باشد، نسبت به صیغه نذر قصد داشته باشد، مسلمان و آزاد باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج۳۵، ص۳۵۲).

۲-۱-۳. اذن

شرط دیگر آن است که نذر به اذن پدر و شوهر باشد. پس نذر پسر و زن بدون اجازه پدر و شوهر جایز نیست. گاهی اذن یکی از شرایط صحت نذر است و آن بیشتر مربوط به اذن شوهر نسبت به نذر همسرش است. صاحب جواهر در خصوص لزوم اذن شوهر می‌نویسد: «و کیف کان فیشترط فی نذر المرأة بالتطوّعات إذن الزوج وفاقاً للمشهور بین الأصحاب سیما المتأخرین» (نجفی، ۱۴۰۴، ج۳۵، ص۳۵۸).

۲-۱-۴. متعلق نذر مقدور باشد

کسی که نذر می‌نماید و قصد دارد که آن را وفا کند باید نذری نماید که توانایی انجام آن را داشته باشد. بنابراین اگر انجام عملی معین در زمان معینی را نذر نماید، باید

در آن وقت و زمان قدرت بر انجام آن داشته باشد. اما اگر نذر مطلق باشد و مقید به زمان خاصی نباشد، اگر در عمر خود قدرت بر انجام آن را داشته باشد کفایت می‌نماید (عاملی، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۳۳).

مرحوم طبرسی با ذکر مثالی، در این زمینه بیان می‌دارد که اگر شخص نذر کند که پیاده به حج برود، اما در هنگام ادای نذر، سواره به حج برود، در این حالت دو صورت وجود دارد:

۱. شخص در هنگام وفای به نذر قدرت بر انجام نذر به‌صورت پیاده دارد، اما سواره نذر خود را انجام می‌دهد: واجب است نذر خود را اعاده کند و به‌صورت پیاده انجام دهد.

۲. شخص در هنگام ادای نذر قدرت بر انجام ندارد: در صورتی که نذر خود را به‌صورت سواره انجام دهد، اعاده واجب نیست و وفای به نذر شده است و تکلیف از شخص برداشته می‌شود.

اما اگر نذر کرده باشد چنانچه حاجت او برآورده شود، سواره به حج برود و در هنگام وفای به نذر مخالفت کند و به‌صورت پیاده به حج برود، به نذر خود عمل کرده است و چیزی بر عهده او نیست، زیرا اصل بر برائت ذمه است (طبرسی، ۱۳۷۶، ج۲، ص۵۰۷)

مرحوم شیخ مفید هم دراین‌باره گفته است: چنانچه شخص نذر کند اگر حاجتش برآورده شود پیاده به سفر حج برود، اما در هنگام ادای نذر خود از وفای به نذر به‌صورت پیاده عاجز باشد، می‌تواند نذر خود را به‌صورت سواره انجام دهد و در این صورت، نیازی به پرداخت کفاره هم نیست. اما اگر عاجز از انجام نذر نباشد، ولی نذرش را سواره به‌جا بیاورد، این نذر صحیح نیست و باید حج را اعاده کند و به‌صورت پیاده انجام دهد.[۱]

ابن‌جنید نیز همین عقیده را دارد، زیرا ایشان در مورد شخصی که نذر کرده است که پیاده به حج برود، اگر تمام تلاش خود را برای پیاده رفتن انجام دهد و سپس

---

۱. «و من نذر أن یحج ماشیاً أو یزور کذلک فعجز عن المشی فلیرکب و لاکفارة علیه فإن رکب من غیر عجز کان علیه إعادة الحج و الزیارة و یمشی ما رکب منه و یرکب ما مشی إن شاء الله» (مفید، ۱۴۱۳، ص۵۶۵).

سواره برود یا نذر کند که پابرهنه به حج برود، سپس خسته شود، چیزی بر او نیست، زیرا پیامبر اکرم(ص) به مردی که نذر کرده بود پیاده به حج برود، امر کرد تا سواره برود و فرمود خدا بی‌نیاز است از این‌که فردی خودش را معذب کند و به مشقت بیندازد. پیامبر(ص) امر به کفاره نیز نکرد (ابن‌جنید، ۱۴۱۶، ص۳۰۵).

همچنین متعلق نذر باید در جهت اطاعت خداوند باشد و مربوط به انجام امر واجب یا مستحبی. بنابراین طبق نذر مشهور، اگر نذر مربوط به امری مرجوح یا مباح باشد صحیح نیست و نذر منعقد نمی‌شود (حسینی، ۱۴۱۲، ج۲۳، ص۲۹۵).

با توجه به آنچه درباره شرایط نذر بیان شد، می‌توان گفت: نذر به صیغه خاصی نیاز دارد که باید به زبان آورده شود. نذرکننده باید بالغ، عاقل، مختار، با قصد و اراده و مسلمان و آزاد باشد. کودک، دیوانه،افراد تحت اجبار،کسانی که به معنای نذر قصد ندارند، کافر و برده بدون اجازه مولایش نمی‌توانند نذر کنند. نذر پسر بدون اذن پدر و نذر زن بدون اذن شوهر صحیح نیست. برخی مراجع اذن شوهر را در تمامی شرایط برای صحت نذر زن ضروری می‌دانند.

رعایت این شرایط صحت و اعتبار نذر را تضمین می‌کند و انجام آن را از نظر شرعی، معتبر و قابل قبول می‌سازد.

۳. امکان‌سنجی تغییر و تبدیل نذر در فقه امامیه

اگر کسی نذر کند و از انجام آن عاجز گردد، در این صورت این مطلب پیش می‌آید که شخص نذرکننده وظیفه‌اش چیست؟ آیا می‌تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟ در بحث حج آمده است در صورتی که شخصی نذر کند که پیاده به حج برود، اما از انجام حج به‌صورت پیاده عاجز شود، وظیفه او چیست؟ فقها در این مورد فرموده‌اند: نذر چنین شخصی می‌تواند دو حالت داشته باشد:

۱. انجام مطلق نذر بدون تعیین زمانی خاص: در این حالت باید هر زمان که توانایی انجام نذر یافت و مشکل برطرف شد، نذرش را به‌جا بیاورد و امکان تغییر و تبدیل نذر وجود ندارد (حلی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۲۷۶).

۲. انجام نذرْ مقید به سال و زمانی معین. در این مورد سه نظر بین فقها وجود دارد:

الف. از دید علامه حلی، در این حالت، در صورت عجز از انجام نذر، حج به‌کلی ساقط می‌شود و امکان تغییر آن وجود ندارد (حلی، ۱۴۱۳، ج۱، ص۴۰۹). فخرالمحققین با گزینش این نظر، در توضیح آن بیان می‌دارد: «حج مورد نذر به‌کلی از عهدهٔ وی ساقط می‌شود، زیرا نذر وی با تعیین جزئیات ویژه‌ای برای کلّی حج همراه بوده که عبارت است از حج با پای پیاده، و حال که از ایفای متعلق نذر خویش عاجز گشته، مؤظف دانستن وی به انجام آن در حالت مزبور، تکلیف به امر خارج از توان وی است، که استحالهٔ آن روشن است» (حلی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۲۷۶).

ب. برخی معتقدند که هرچند وجوب پیاده‌روی از عهدهٔ وی ساقط است، اما نفس حج به‌صورت سواره بر او واجب می‌باشد، زیرا آنچه به‌واسطه نذر بر وی واجب گردیده، دو امر است: حج و پیاده‌روی و میسور. [از این دو که اصل حج، به هر شکل ممکن است]، با سقوط معسور [پیاده‌روی] ساقط نمی‌گردد. همچنین کفاره نیز واجب نیست، زیرا اصل بر عدم ثبوتِ آن است، مگر این‌که با دلیل ویژه، وجوب آن ثابت گردد (کیدری، ۱۴۱۶، ص۴۸۴).

ج. برخی نیز معتقدند که باید به‌عنوان کفاره یا فدیه، دو مدّ طعام به فقرا دهد و در صورت عدم تمکن، به هر مقدار که برایش میسر است، اطعام نماید، زیرا میسور به‌واسطه سقوط معسور، ساقط نمی‌گردد (حلی، ۱۳۷۶، ج۱، ص۲۰۸).

۳-۱. اقوال فقها در مورد تغییر و تبدیل نذر

در خصوص امکان تغییر و تبدیل نذر بین فقها اختلاف نذر وجود دارد. برخی معتقدند که امکان تغییر وجود دارد و نیاز به پرداخت کفاره نیست، اما در مقابلْ برخی قائل به عدم امکانِ تغییرند و در صورت تغییر باید کفاره نیز پرداخت شود (حلی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۷۶۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۳۰۳).

۳-۱-۱. امکان تغییر و تبدیل نذر در صورت عجز بدون نیاز به پرداخت کفاره

مرحوم محقق حلی(ره) ادعای اجماع نموده است که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است در صورت تمکن به نذر خود عمل نماید، اما در صورت عجز باید نذر خود را به‌صورت سواره وفا کند و در این حالت، وجوبْ ساقط می‌شود، زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می‌رود

(حلی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۷۶۴).

مرحوم شیخ مفید(ره) معتقد است در صورت عجز باید نذر تغییر کند و نیاز به پرداخت کفاره نیز نیست. ایشان می‌فرماید: «و من نذر أن یحجّ ماشیاً أو یزور کذلک فعجز عن المشی فلیرکب و لا کفارة» (مفید، ۱۴۱۳، ص۵۶۵). همچنین مرحوم ابن‌براج(ره) می‌نویسد: «و إذا نذر الحج ماشیاً أو زیارة مشهد من المشاهد الشریفة کذلک، ثم عجز عن المشی کان له أن یرکب و لا کفارة علیه» (ابن‌براج، ۱۴۰۶، ج۲، ص۴۱۱).

۳-۱-۲. امکان تغییر و تبدیل نذر به همراه پرداخت کفاره

از دید مرحوم شیخ طوسی(ره)، چنانچه کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است که به نذر خود عمل نماید، اما در صورت عجز از وفای به نذر، باید نذر خود را تغییر دهد و به حالت سواره آن را انجام دهد. ولی در این مورد که امکان نذر خود را به‌صورت پیاده ندارد، علاوه بر این‌که باید سواره نذر را انجام دهد، واجب است که کفاره نیز بپردازد (طوسی، ۱۳۸۷، ج۱، ص۳۰۳).

مرحوم علامه حلی(ره) دراین‌باره می‌گوید که اگر شخص نذر کند که در سال معینی پیاده به حج برود، اما در هنگام وفای به نذر عاجز از آن شود، باید نذرش را سواره انجام دهد. برخلاف مرحوم شیخ طوسی(ره) که معتقد است پرداخت کفاره واجب است، ایشان پرداخت کفاره را مستحب می‌داند، اما اگر نذر به‌صورت مطلق باشد، باید صبر کند تا شرایط انجام نذر مهیا شود (حلی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۲۹۱).

مرحوم علامه(ره) در کتاب تذکره در مورد نذر معین و مطلق بیان می‌دارد: در صورتی که نذر معین باشد، مثلاً نذر کند که در سال معینی به حج برود، در صورتی که قدرت بر انجام آن داشته باشد، اما اهمال بورزد، باید کفاره بدهد و قضای آن را به‌جا آورد، ولی اگر قدرت بر انجام آن را نداشته باشد، کفاره ندارد، اما باید قضای آن را به‌جا آورد. علامه می‌نویسد: در صورتی که نذر کند پیاده به حج برود، اما صفت پیاده رفتن از او زایل شود، لکن توانایی بر انجام حج را داشته باشد، باید کفاره بدهد و بعداً قضای آن را به‌صورت پیاده انجام دهد. اما اگر علاوه بر زایل شدن صفت، قدرت انجام حج را نیز از دست دهد، در این حالت نه قضا دارد و نه کفاره. علامه

در نهایتْ در مورد کسی که عاجز از پیاده‌روی است و نذرش را به‌صورت سواره ادا می‌نماید، پرداخت کفاره را حمل بر استحباب می‌کند (حلی، ۱۴۱۴، ج۸، ص۴۳۱).

۳-۱-۳. قول به تفصیل در مورد تبدیل نذر

مرحوم فخرالمحققین(ره) در مورد کسی که نذر کند پیاده به حج برود، قائل است که نذر کردن برای انجام حج پیاده، از نظر شرعی صحیح و معتبر است، اما اختلافی که در این زمینه وجود دارد آن است که آیا رعایت قید پیاده رفتن با وجود توانایی لازم است یا خیر؟ مبنای این دو قول بر این است که آیا پیاده‌روی افضل از سواره است یا سواره بودن افضل است؟ (حلی، ۱۳۸۷، ج۴، ص۶۶).

گروهی بر این عقیده‌اند که پیاده‌روی افضل است، زیرا سیره عملی امام حسن مجتبی(ع)، امام زین‌العابدین(ع) و امام کاظم(ع)، با وجود این‌که وسایل سواری مانند شتر و قاطر بوده است، اما بر پیاده رفتن به حج مراقبت می‌کردند. همچنین به قول پیامبر اسلام(ص) نیز استناد می‌کنند که فرمود: «پاداش تو به اندازه رنجی است که می‌کشی». در مقابلِ این گروه، برخی سواره بودن را افضل می‌دانند، زیرا پیامبر(ص) حج را به‌صورت سواره ادا می‌کرده‌اند.

فخرالمحققین بعد از بیان این موارد، قول قائلانِ به تفصیل را بیان می‌کند و خود نیز این نظر را می‌پذیرد. ایشان می‌گوید: در این مورد برخی قائل به تفصیل شده‌اند به این صورت که اگر فردی توانایی سوار شدن را داشته باشد و پیاده‌روی مانع انجام واجبات و ضعف او نشود، پیاده‌روی افضل است. اگر پیاده‌روی باعث ضعف و ناتوانی فرد در انجام واجبات شود، سواره رفتن افضل است (حلی، ۱۳۸۷، ج۴، ص۶۶).

از آنچه بیان شد مشخص می‌شود که قاطبه فقها تبدیل یا تغییر نذر در صورت عجز را اجازه می‌دهند، اما اختلاف در مورد پرداخت کفاره یا عدم پرداخت آن است که در این زمینه برخی معتقدند که علاوه بر انجام نذر، پرداخت کفاره نیز باید انجام گیرد که برخی آن را واجب و برخی دیگر آن را مستحب می‌دانند. همچنین در مورد نذر مطلق و مقید نیز بر این نظرند که در نذر مطلق باید صبر نمود تا زمانی که شخص توانایی و تمکن انجام نذر برای او فراهم شود، اما در خصوص نذر مقید باید تبدیل صورت گیرد.

مرحوم امام خمینی(ره) بر این باورند که اگر مثلاً نذر کند پیاده به حج برود و عاجز بشود از پیمودن تمام راه، به‌طور پیاده مقداری را که می‌تواند باید پیاده و در مقداری که نمی‌تواند سوار بر مرکب بشود، اما احوط آن است که شتری را هم به‌عنوان کفاره بدهد.[۱] ایشان در صورت عجز، نذر را ساقط دانسته‌اند.[۲]

مقام معظم رهبری هم در صورت عجز فرموده‌اند: اگر ناذر از انجام منذور (چه نذر مطلق و چه نذر مقید به زمان) عاجز شود، نذر منحل می‌شود و چیزی بر عهده ناذر نیست، مگر در مورد نذر روزه که در صورت عجز، باید در ازای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد (https://farsi.khamenei.ir).

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در استفتای زیر درباره عدم امکان عمل به نذر: «سؤال ۱۳۱. گاه نذرهایی انجام می‌شود که قابل عمل نیست، مثلاً نذر کرده در عاشورا شربت دهد و الآن زمستان است و این امر ممکن نیست. آیا تغییر آن جایز است؟» چنین جواب داده‌اند: «آری، می‌توان آن را مثلاً به شیر گرم و مانند آن تغییر داد» (https://hadana.ir).

درصورتی که نذر با صیغه شرعی خوانده شود تغییر جایز نیست (خمینی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۵۴۱، مکارم شیرازی، ج۱، ص۲۹۵؛ تبریزی، ج۱، ص۳۸۷؛ سبحانی، ص۱۶۵) و در مواردی قائل به تغییر و تبدیل نذر شده‌اند.

۴. تحلیل و بررسی مستندات

در ذیل روایاتی آورده می‌شود که بیانگر این مطلب است که در صورت عجز از انجام مورد نذر، نذر ساقط نمی‌شود، بلکه با تغییر آن، شخص می‌تواند به نذر خود عمل نماید. همچنین بنابر قواعدی می‌توان با استناد به آن‌ها اقدام به تغییر و تبدیل نذر نمود.

---

۱. مسئلة ۱۸: «لو طرأ لناذر المشی العجز عنه فی بعض الطریق دون بعض فالأحوط لو لم یکن الأقوی أن یمشی مقدار ما یستطیع و یرکب فی البعض، و الأحوط الأولی سیاق بدنة فی نذر الحج، و لو اضطرّ إلی رکوب السفینة فالأحوط أن یقوم فیها بقدر الإمکان» (خمینی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۱۲۱).

۲. مسألة ۲۴: «لو عجز الناذر عن المنذور فی وقته إن کان موقتاً و مطلقاً إن کان مطلقاً انحل نذره و سقط عنه و لا شیء علیه، نعم لو نذر صوماً فعجز عنه تصدق عن کل یوم بمدّ من طعام علی الأقوی، و الأحوط مدان» (خمینی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۱۲۳).

۴-۱. روایات

۱. علی بن مهزیار گفت: به ابوالحسن(ع) نامه نوشتم مردی نذر کرده همیشه جمعه‌ها را روزه بگیرد، اما یک روز جمعه که در آن عید سعید فطر فرا می‌رسد یا عید قربان یا ایام تشریق یا مسافرت یا مریض شدن در آن، آیا بر اوست روزه گرفتن آن روز یا قضای آن یا چگونه به‌جا آورد؟ نوشت: خداوند روزه را از او برداشته است در تمام این روزها و یک روز دیگر به‌جای آن روز روزه بگیرد[۱] (کلینی، ۱۴۰۷، ج۷، ص۴۵۶).

۲. علی بن ابراهیم از پدرش و او از ابن‌ابی‌عمیر و او از رفاعه و حفص نقل کرد: از اباعبدالله(ع) درباره مردی پرسیدم که نذر نمود پابرهنه به خانه خدا برود. گفت: «پس پیاده برود. زمانی که خسته شد، سواره برود»[۲] (طوسی، ۱۳۷۶، ج۴، ص۵۰).

۳. ابوعلی اشعری گوید: از امام درباره مردی سؤال کردم که نذر کرد تا پیاده به خانه خداوند برود، پس توانایی ندارد. امام فرمود: حج را سواره به‌جا بیاورد[۳] (طوسی، ۱۳۷۶، ج۴، ص۳۰۴).

با توجه به آنچه گفته شد در شرایطی که نذرکننده از انجام مورد نذر عاجز باشد، این سؤال پیش می‌آید که وظیفه او چیست؟ آیا می‌تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟ از مباحث گذشته معلوم شد که در صورت مطلق بودن نذر و معین نبودن زمان نذر، باید آن را در وقتی که شرایط مهیا بود انجام داد، اما اگر نذر مقید به زمان خاصی باشد، در این صورت، فقها نظرات مختلف دارند: از دید برخی، نذر به‌طور کلی ساقط می‌شود. از دید گروهی دیگر، نذر به حال خود باقی می‌ماند و باید آن را تغییر داد، با این تفاوت که برخی معتقدند که باید کفاره نیز پرداخت نمود. اما گروه دیگر قائل‌اند که با تغییر نذر نیازی به پرداخت کفاره نیست. روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که بیانگر آن است که در صورت عجز، نذر ساقط

---

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ مِثْلَهُ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ: يا سَيِدِی، رَجُلٌ نَذَرَ أَنْ يصُومَ يوْمَ الْجُمُعَةِ دَائِماً مَا بَقِی فَوَافَقَ ذَلِک الْيوْمُ يوْمَ عِيدِ فِطْرٍ أَوْ أَضْحًی أَوْ أَيامَ التَّشْرِيقِ أَوِ السَّفَرَ أَوْ مَرِضَ، هَلْ عَلَيهِ صَوْمُ ذَلِک الْيوْمِ أَوْ قَضَاؤُهُ أَوْ كيفَ يصْنَعُ يا سَيِدِی؟ فَكَتَبَ إِلَيهِ: قَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهُ الصِّيامَ فِی هَذِهِ الْأَيامِ كلِّهَا وَ يصُومُ يوْماً بَدَلَ يوْمٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

۲. «عنه عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيرٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ حَفْصٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيهِ السَّلاَمُ عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ أَنْ يمْشِی إِلَی بَيتِ اللَّهِ حَافِياً قَالَ: "فَلْيمْشِ فَإِذَا تَعِبَ فَلْيرْكَبْ"».

۳. عَنْ أَبِی عَلِی الْأَشْعَرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيهِمَا السَّلاَمُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ عَلَيهِ مَشْياً إِلَی بَيتِ اللَّهِ فَلَمْ يسْتَطِعْ قَالَ يحُجُّ رَاكِباً».

نمی‌شود، بلکه باید با تغییر آن، شخص به نذر خود وفا نماید. این روایات به‌وضوح نشان می‌دهند نذری که نتواند به‌صورت اولیه انجام شود می‌تواند به شکلی دیگر انجام شود، مانند روزه گرفتن در روز دیگر یا انجام حج به‌صورت سواره.

۴-۲. قواعد

گاهی به دلایلی مانند ضرورت، ناتوانایی یا شرایط خاص، امکان انجام نذر مقدور نیست. در این شرایط فرد می‌تواند نذر خود را تغییر دهد یا حتی تبدیل به احسن کند. در ذیلْ روش‌هایی که امکان تغییر و تبدیل نذر را اجازه می‌دهند توضیح می‌دهیم.

۴-۲-۱. قاعده میسور

قاعده میسور یکی از قواعد مهم فقهی است که در شرایط عدم امکان انجام کامل یک تکلیف، به کار می‌رود. مضمون این قاعده آن است که هر گاه انجام تکلیف به‌صورت کامل دشوار یا ناممکن شود، انجام بخشی از آن که برای مکلف مقدور است از عهده او ساقط نمی‌شود (لنکرانی، ۱۳۹۶، ج۱، ص۳۶۴). در میان معاصران، آیت‌الله مکارم شیرازی، قاعدة المیسور را از قواعد شرعی و عقلایی دانسته و بر حجیت آن به‌نحو اطلاق صحه گذارده است (مکارم شیرازی، ج۱، ص۵۵۴،۵۴۷). مرحوم آیت‌الله علی مشکینی نیز قول به حجیت مطلق قاعده را به مشهور نسبت می‌دهد (مشکینی، ۱۳۹۲، ص۲۰۹). آیت‌الله جعفر سبحانی نیز جانب حجیت قاعده را گرفته است (سبحانی، ۱۴۲۴، ج۳، ص۶۵۳،۶۴۸).

تعذر از انجام تکالیف در سه حالت قابل تصور است:

الف. انجام برخی از اجزای مرکب امکان نداشته باشد، مثلاً به دلیل تنگ بودن وقت، سوره را ترک کند.

ب. تعذر انجام برخی شرایط مرکب شرعی، مانند این‌که پوشاندن بدن یا مراعات قبله ممکن نباشد.

ج. موانعی که در حالت اضطرار مجبور به انجام آن می‌شود، مثلاً در حالت اضطرار مجبور باشد که با لباس نجس نماز بخواند. در ذیل، جهت روشن شدن بحث چند مثال آورده می‌شود:

نماز: در مواردی که فردی به دلیل بیماری یا شرایط خاص نمی‌تواند نماز را کامل انجام دهد، باید به میزان توانش آن را انجام دهد، مثلاً نشسته نماز بخواند یا فقط اشاره کند.

حج: اگر کسی نذر کرده است که پیاده به حج برود، اما در انجام این عمل ناتوان باشد، باید به میزان توان خود عمل کند و مثلاً سواره به حج برود (کیدری، ۱۴۱۶، ص۴۸۴).

با توجه به آنچه گفته شد، قاعده میسور به‌عنوان یکی از اصول مهم و پرکاربرد در فقه اسلامی شناخته می‌شود که بر اساس آن، ناتوانی در انجام کامل یک وظیفه نباید باعث ترک کامل آن شود. فقها این قاعده را در بسیاری از موارد شرعی مورد تأیید قرار داده و به کار گرفته‌اند. این قاعده نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری فقه اسلامی در مواجهه با شرایط مختلف و توانایی افراد است و تأکید دارد که هر شخص باید به میزان توان خود در انجام وظایف دینی‌اش بکوشد. لذا با استناد به این قاعده در صورت عجز از انجام نذر، می‌توان اقدام به تغییر یا تبدیل نمود.

۴-۳. تزاحم

تزاحم عبارت است از عدم امکان جمع بین دو حکم در مقام امتثال از باب اتفاق. عدم امکان جمع یا به دلیل ناتوانایی مکلف به جمع بین آن دو در مقام عمل است، چنان‌که غالب موارد تزاحم چنین است و یا به دلیل قیام دلیل خارجی بر عدم ارادهٔ جمع بین آن دو. در مواردی که نسبت بین دو حکم متزاحم، اهمّ و مهم است، عمل به حکم اهمّ بر مکلف متعین می‌باشد و چنانچه از این حیث با یکدیگر مساوی باشند، حکمی که به لحاظ ظرف امتثال، زمانش جلوتر است، به حکم عقلْ مقدم خواهد بود، مانند نماز ظهر و عصر که هر دو بر مکلف واجب است، لکن در فرضی که وی تنها بر انجام دادن یکی از آن دو قدرت دارد، نماز ظهر به لحاظ تقدم زمانی بر نماز عصر، مقدم می‌شود. در غیر این صورت، مکلف به حکم عقل در امتثال هر یک از دو حکمْ مخیر است (سبحانی، ج۴، ص۴۸۲).

اصولیان برای بیان ملاک اهمیت، وجوهی ذکر کرده‌اند، از جمله:

الف. یکی از دو حکم به لحاظ مدت زمان انجام آن، مضیق و دیگری موسّع

باشد، مانند تزاحم امر به نماز در اول وقت با امر به ازالهٔ نجاست از مسجد که وقت اوّلی وسیع و دومی، ضیق و فوری است (هاشمی، ۱۴۳۲، ج۲، ص۴۵۶). در این صورت، در مقام عمل، حکم مضیق بر حکم موسّع مقدم می‌شود.

ب. امر یکی معین و امر دیگری مخیر باشد، مانند کسی که نذر کرده بردهٔ مؤمنی را آزاد کند و نذرش محقق شده است و به دلیل افطار عمدیِ روزه ماه رمضان کفاره نیز بر عهده‌اش آمده است، درحالی‌که موجودی وی تنها یک بردهٔ مؤمن است. در این صورت، امر معین یعنی وفای به نذر بر امر مخیر یعنی کفاره، مقدم است. ازاین‌رو، برده را به دلیل ادای نذر آزاد می‌کند و کفاره را از سایر خصال آن (دو ماه روزه یا اطعام شصت فقیر) می‌پردازد.

ج. یکی از دو حکم، بدل داشته و دیگری بدل نداشته باشد، مانند کسی که برای نماز باید وضو بگیرد یا غسل کند. از سوی دیگر، لباس او نیز نجس است (هاشمی، ۱۴۳۲، ج۲، ص۴۵۶)، درحالی‌که آبی که در اختیار دارد تنها کفاف یکی از آن دو (وضو یا غسل و شستن لباس) را می‌دهد. در این صورت، شستن لباس که بدل ندارد مقدم بر غسل یا وضو است که تیمم بدل از آن دو است.

قانون کلی در تقدیم یکی از دو حکم متزاحم بر دیگری، اولویت داشتن آن به لحاظ حفظ و تقدیم نزد شارع است. اولویت نیز یا از ادله فهمیده می‌شود یا از مناسبت حکم و موضوع و یا از راه شناخت ملاک‌های احکام که شارع بیان کرده است، مانند موارد تزاحم بین حق‌الناس و حق‌الله؛ بین واجب رکنی و غیررکنی در عبادت همچون رکوع و قرائت و نیز بین ایجاد آشتی میان مؤمنان با دروغ گفتن و راست‌گویی منجر به بروز فتنه و فساد که در هر سه مورد، اوّلی بر دومی مقدم می‌شود.

برخی از فقهای معاصر در بحث حج در تعارض بین وفای به نذر و وجوب حج آورده‌اند که نذر در صورتی که قبل از تحقق استطاعت انجام شده باشد، وفای به آن مقدم است و فرموده‌اند برخی از فقهای معاصر نقل نموده‌اند که مرحوم صاحب جواهر به دلیل اهتمام به اتمام جواهر الکلام و استمرار بر تدوین و اشتغال به تألیف

آن، نذر کرده بود عرفه را در محضر امام حسین(ع) باشد[۱] (سبحانی، بی‌تا، ج۴، ص۴۸۲).

اما در تزاحم حقوق جمعی و فردی چه باید کرد؟ یا شخصی اموالی را برای مصرفی نذر کرده است. آیا می‌توان آن را در راه درمان بیماری کرونا مصرف کرد؟ آیا نذر از قواعدی است که بتواند برخی احکام را کنترل یا محدود کند؟ مرحوم نائینی راجع به نذر فرمایش متینی دارند. از دید ایشان، در نذر ما یک دلیل توصلی داریم و در برخی موارد یک دلیل تعبدی. در نذرهایی که توصلی یا تعبدی هماهنگ می‌شود، بده‌بستان خاصی می‌یابد. گویا تعبدیت با توصلیت جابه‌جا می‌شود. فرض کنید شخصی می‌گوید: «لله علیّ أن أصوم عرفة» یا «لله علیّ أن أصلی صلاة اللیل». او به خاطر کاری متعبد می‌شود نذر را انجام دهد. مرحوم نائینی می‌فرماید این‌جا گویا دلیل توصلی نذر با وجوب تعبدی نماز جابه‌جا می‌شود. در نتیجه، این شخص باید بالوجوب این کار را انجام دهد (نک: نائینی، ۱۳۷۶، ص۲۲۹).

در سخن ایشان تأملی هست که در اجتماع امر و نهی، آیا یک چیز می‌تواند دو مطلوبیت داشته باشد؟ اگر منظور ایشان این است که وجوب بالذات که وجوب وفای به نذر است با متعلق به نذر که وجوب بالعرض است یکی می‌شوند، سخن صحیحی است. به معیار آیه شریفه «وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ؛ و نذرهای خود را ادا نمایند» (حج / ۲۹) که این معیار را در آیات و روایات هم داریم، این دلیل بر آن می‌شود که وفای به نذر واجب است. وفای به نذر از عنوان متعلقش و از معلقش بیشتر عبور نمی‌کند. پس معلوم می‌شود که ما یک نسبت ذاتی داریم و یک نسبت عرضی. در بحث متعلقات نذر نسبت ذاتی و نسبت عرضی جمع می‌شود.

بنابر آنچه گذشت، در نتیجه‌گیری و تطبیق بحث نذر بر بیماری باید گفت که اگر کسی نذری کرد و با مراقبت بیماری واگیردار خاصی مانند کرونا یا غیر آن تزاحم داشت و قابل اجتماع نبودند، تکلیف چیست؟ فرض این است که نمی‌شود در اجتماع عرفه جمع شد یا در محرم نذر کرد. نذر بر بیماری نیز با مراقبت‌های پزشکی

---

۱. «قد حکی المشایخ أنّ صاحب الجواهر لمّا اشتغل بتألیف الجواهر أحسّ أنّ إتمام المشروع رهن صبّ الجهود علی التألیف و عدم الاشتغال بشیء آخر سنتین، و لذلک نذر أن یزور الحسین علیه السّلام فی کلّ عرفة حذراً من تعلّق وجوب الحجّ» (سبحانی، ۱۴۱۲، ج۱، ص۱۷۹).

منافات دارد. حال باید چه کرد؟

این‌جا اولاً باید اهمّ و مهم کرد: حکم اولی مراقبت و حکم ثانوی نذر، با یکدیگر تزاحم پیدا می‌کنند. اگر بتوان آن دو را جمع کرد که به نظر ما اکثر مواقع قابل جمع است، باید این کار انجام شود و همراه با مراقبت‌های بهداشتی، نذر نیز انجام گیرد. همچنین اگر نذر کرده است که روز عرفه روزه بگیرد، ولی برایش ضرر دارد، این‌جا لاضرر مقدم است و حاکم.

نتیجه این‌که در صورت تزاحم، لاضرر حاکم است. در مصرف نذر هم برای کرونا اگر مربوط به تعظیم عزاداری باشد می‌شود مصرف کرد.

بزرگان ما در گذشته این گونه بودند. راه رجحان کارهایی است که نفوس نسبت به آنها رجحانی ندارند. وفای به نذر واجب می‌شود ولی خودش تقرب نیست بلکه توصل است. در وفای به نذر امر دیگری است. وجوب بالعرض می‌یابد و اگر متعلق تعبدی باشد، تعبدی می‌شود. اگر در امر توصلی استحباب و وجوب را نیت نکند اشکالی ندارد.

۴-۴. اجماع

اجماع می‌تواند در مواردی که نذرها نیاز به تغییر یا تبدیل دارند، نقش مهمی ایفا کند. در صورتی که اجماع بر جواز تغییر و تبدیل نذر وجود داشته باشد، این موضوع می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تصمیم فرد بگذارد. مثلاً اگر اجماع بر این باشد که تغییر نذر در شرایط خاصی جایز است، فرد می‌تواند با اطمینان بیشتری اقدام کند. در نهایت، ارتباط اجماع با تغییر و تبدیل نذر به این صورت است که اجماع می‌تواند به‌عنوان منبعی معتبر در تصمیم‌گیری درباره تغییر نذر عمل کند. حال با توجه به مطلب مذکور، محقق حلی درباره امکان تغییر و تبدیل نذر ادعای اجماع نموده که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، واجب است در صورت تمکن، به نذر خود عمل نماید. اما در صورت عجز باید نذر خود را به‌صورت سواره وفا کند و در این حالت، وجوب ساقط می‌شود، زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می‌رود (حلی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۷۶۴).

۴-۵. تعدد مطلوب

تعدد مطلوب یعنی مطلوب بودن عمل مقید به قیدی حتی بدون آن قید. تعدد مطلوب در مقابل وحدت مطلوب در جایی است که عملی مقید به قیدی است، لکن آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخالت ندارد، هرچند رعایت قید نیز مطلوب است. لذا در فرض عدم امکان رعایت قید، مطلوبیت عمل همچنان به قوّت خود باقی است، مانند اقامه هر یک از نمازهای یومیه در وقت خود که علاوه بر مطلوبیت نفس نماز، اقامه آن در وقت، مطلوب است و با فوت وقت، مطلوبیت نماز همچنان باقی است و وجوبش ساقط نمی‌گردد. در نتیجه، قضای آن واجب خواهد بود.

مثال دیگر، اگر روزهٔ روز خاصی به نذر بر مکلف واجب گردد و او به جهت مانعی نتواند آن روز را روزه بگیرد، نذرش باطل و قضای آن ساقط می‌گردد، اما اگر نذر یادشده به نحو تعدد مطلوب باشد، نذر باطل نمی‌شود و باید روز دیگری روزه بگیرد.

مثال دیگر، گاهی فرد توانایی عمل به نذر را در زمان یا مکان خاص ندارد، ولی با تغییر آن به زمان و مکان دیگر می‌تواند عمل کند. در این صورت از قبیل تعدد مطلوب است و در نزدیک‌ترین مورد به موارد نذر، آن را مصرف می‌کند، مانند نذر اطعام روز عاشورا در مسجد خاص، در صورتی که مسجد مزبور را خراب کرده‌اند، باید در مسجد دیگری اطعام کند. (https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index)

با توجه به مطالب بیان‌شده، تغییر نذر به دلیل تعدد مطلوب ممکن است در شرایطی که قید نذر رعایت نشود یا امکان‌پذیر نباشد، صورت گیرد. در چنین مواردی، اصل مطلوبیت عمل حفظ می‌شود، هرچند شرایط قیدی نذر تغییر کند. مثلاً اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود، اما به دلیل بیماری نتواند نذر خود را به‌صورت پیاده انجام دهد، می‌تواند نذرش را سواره انجام دهد، زیرا در این حالت، اصل حج به‌عنوان نذر باقی می‌ماند و نذر به شکلی قابل اجرا و ممکن تغییر می‌یابد. توانایی تغییر و تبدیل نذر، بر اساس قاعده میسور، مصلحت، تزاحم و تعدد مطلوب امکان‌پذیر است. این اصول و قواعد به فرد کمک می‌کنند تا در شرایط مختلف بتواند نذر خود را به‌نحوی انجام دهد که همواره مطابق با احکام و شریعت باشد. این مباحث به‌خوبی نشان می‌دهند که فقه اسلامی با توجه به شرایط مختلف،

انعطاف‌پذیری لازم را دارد تا بتواند بهترین راه‌حل را برای مشکلات پیش‌رو ارائه دهد.

لازم به یادآوری است که از جمله مواردی که به‌عنوان مبنای استنباط فقها نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد و تسهیل‌کنندهٔ جواز تغییر باشد، موردی است که مصلحت اقتضا نماید. مصلحت به معنای صلاح، خیر و صواب و هر آنچه است که باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد (طریحی، ۱۹۸۵، ج۲، ص۱۲۵؛ زبیدی، ۱۳۰۶، ج۶، ص۵۴۷). برخی هم آورده‌اند: استصلاح در تعریف اصطلاحیِ علم اصول آن است که به مصلحت و به استناد آن، حکمی صادر یا به آن عمل شود، و یا جلب منفعت و دفع ضرر و مصالح ضروری عبارت است از مصالحی که مقصود اصلی شریعت حفظ آن می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۶، ص۳۸۱؛ عاملی، ۱۳۷۲، ج۱، ص۳۷۲).

بر این اساس می‌توان گفت مصلحت در بحث نذر کاربرد زیادی دارد. برای مثال، شخصی نذر می‌کند که شب اول محرم برای عزاداران امام حسین(ع) در مسجد غذای نذری پخش کند، ولی به دلیل شیوع بیماری کرونا یا بیماری واگیرداری، این امر میسر نیست. در این صورت، طبق مصلحت او می‌تواند به روش دیگر نذرش را ادا کند. لذا اگر انجام کاری که خیلی مهم است برای کسی ممکن نباشد، باید کاری را انجام دهد که به اندازه آن کار مهم نباشد، اما مهم‌ترین کار ممکن در آن شرایط باشد. به عبارت دیگر، وقتی نتوانیم بهترین کار را انجام دهیم باید دومین کار خوب را انجام داد. این به آن معناست که عقل حکم می‌کند وقتی فرد نمی‌تواند آنچه را نذر نموده است انجام دهد، باید بهترین تصمیم ممکن در شرایط موجود و بدیل آن را بگیرد. برای مثال، فردی نذر کرده است که اگر از بیماری خاصی بهبود یابد، گوسفندی قربانی کند، اما پس از بهبود، متوجه می‌شود که به دلیل شرایط اقتصادی سخت، قادر به خرید گوسفند نیست. می‌بینیم که فرد در این شرایط بر سر دوراهی قرار می‌گیرد: مصلحت اهمّ (عمل به نذر و قربانی کردن گوسفند)؛ مصلحت مهم (ادای نذر به گونه‌ای دیگر به دلیل شرایط اقتصادی، مثلاً به جای قربانی کردن گوسفند، مبلغی را به فقرا اهدا کند). در این مثال، «مصلحت اهمّ» که عمل به نذر و قربانی کردن گوسفند است، به دلیل تعذر یا عدم امکان انجام این کار، مقدور نیست و فرد باید به دنبال «مصلحت مهم» بگردد. در این شرایط، اهدای مبلغی به فقرا به‌عنوان یک عمل خیر و

جایگزین مناسب برای قربانی کردن گوسفند، می‌تواند مصلحت مهم تلقی شود، چراکه به هدف اصلی نذر نزدیک است، زیرا هر دو عمل (قربانی کردن و کمک به فقرا) با هدف تقرب به خداوند و شکرگزاری انجام می‌شود. به‌علاوه، اهدای مبلغ به فقرا در شرایط سخت اقتصادی می‌تواند کمک شایانی به افراد نیازمند کند. فرد با انتخاب اهدای مبلغ به فقرا، به اصل «لزوم مراعات مصلحت مهم در صورت تعذر از مراعات مصلحت اهمّ» عمل کرده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده، به این نتیجه می‌رسیم که مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی مهم است که در آیات، روایات و کتب فقهی جایگاه ویژه‌ای دارد. در فقه، نذر به معنای التزام فرد به انجام یا ترک عملی است که از نظر شرع واجب نیست، اما شخص با اراده و اختیار، خود را به انجام آن متعهد می‌کند و باید به‌طور شرعی به آن عمل نماید. اگر فردی نذر کند و به دلایلی مانند ضرورت یا ناتوانی، نتواند نذر خود را ادا کند، این امکان وجود دارد که نذر خود را تغییر دهد یا به احسن تبدیل کند. در این‌جا به چند اصل مهم اشاره شد: «قاعده میسور» که بنابر آن، اگر انجام تکلیف به‌صورت کامل ممکن نباشد، انجام بخشی از آن که ممکن و مقدور است، از عهده مکلف ساقط نمی‌شود. «قاعده تزاحم» که بر اساس آن، اگر جمع بین دو حکم در مقام اجرا ممکن نباشد، یکی از آن‌ها بر اساس مصلحت مقدم می‌شود و قاعده لاضرر مقدم و حاکم می‌گردد. در حالت «تعدد مطلوب» نیز اگر عملی مقید به قیدی باشد و آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخیل نباشد، عمل بدون رعایت قید نیز همچنان مطلوب است، چنان‌که مثال‌هایش در متن گذشت. در بحث نذر، مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر نیز کاربرد فراوانی دارد.

منابع

قرآن کریم. (۱۳۸۷ش). (ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور). قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.

۱. ابن‌براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲. ابن‌جنید، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). مجموعه فتاوی ابن جنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. تبریزی، جواد. (۱۳۸۵ش). استفتاءات. قم: سرور.
۵. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۴ق). الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء. قم: امام صادق(ع).
۶. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: آل البیت(ع).
۷. حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۸. حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۷۶ش). المختصر النافع. قم: مطبوعات دینی.
۹. حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. قم: سید الشهداء(ع).
۱۰. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: آل البیت(ع).
۱۱. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۰۹ق). تحریر الوسیلة. قم: دار العلم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره).
۱۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶ش). تهذیب الأحکام. تهران: نشر صدق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المکتبة المرتضویة.
۱۷. عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
۱۹. عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: آل البیت(ع).
۲۰. فیروز آبادی، مجدالدین. (بی‌تا). القاموس المحیط. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. کیدری، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). إصباح الشیعة بمصباح الشریعة. قم: امام صادق(ع).
۲۳. مشکینی، علی. (۱۳۹۲ش). مصطلحات الفقه. قم: دار الحدیث.
۲۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۲ق). مستند الشیعة فی أحکام الشریعة. قم: آل البیت(ع).
۲۶. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام. بیروت: دار التراث العربی.
۲۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۲ق). موسوعة الفقه الإسلامی المقارن. دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).
28. makarem.ir/ahkam
29. https://farsi.khamenei.ir